

مردم ایران، جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

کورش مدرسی



شود. اگر جنگی براه بیفتد مردم ایران بیش از هرکس، و پیش از هرکس، قربانی آن خواهند بود. آنچه در عراق اتفاق افتاد در مقابل آنچه که در ایران، در صورت حمله آمریکا، اتفاق خواهد افتاد یک داستان ساده است. قرار است میلیونها تن بمب به سر مردم و شهرهای ایران ریخته شود، قرار است کل زیربنای

صفحه ۲

اما جنبه ساختگی و اغراق آمیز فضای آمریکا در فکر حمله به ایران است. از اهمیت آن در فضای سیاسی ایران و سرنوشت مبارزه مردم برای نجات از بختک جمهوری اسلامی کم نمیکند. دنیای ما دنیای بعد از جنگ آمریکا علیه عراق است. دنیای سیاست "ضربه پیشگیرانه" است، دنیایی است که ظاهراً آمریکا میتواند با جنگ یا با تهدید به جنگ رژیمهای مورد نظر خود را سر کار بیاورد. جنگ یا تهدید جنگ مبنای سیاست "تغییر رژیم" بشیوه آمریکا است. جنگ شمشیر دامکلسی است که آمریکا بر سر کل منطقه نگاه داشته است. بدون جنگ و بدون تهدید جنگ سیاست "تغییر رژیم" معنی چندانی ندارد. حمله آمریکا به ایران ممکن است در نگاهی دقیقتر نامحتمل بنظر برسد اما سناریو آتقدر هراسناک است و نتایج چنین جنگی آتقدر برای مردم ایران مخرب که هر انسان آزادیخواهی باید بکوشد تا مانع تحقق آن

اشارات اخیر مقامات دولت آمریکا به در پیش گرفتن سیاست "تندتری" در قبال جمهوری اسلامی فضای سیاسی ایران را بشدت تحت تاثیر قرار داده است. این فضا بیشتر از آنکه محصول اشارات مستقیم مقامات آمریکائی باشد حاصل فضا سازی دستجات مختلف سلطنت طلب، جریانات دو خردادی و دستگاههای تبلیغاتی بویژه بی-بی-سی است. اپوزیسیون راست و مهمتر از همه سلطنتطلبان بدنبال بوی پول و قدرت منفعت خود را در این میانند که سناریو عراقیزه کردن ایران توسط آمریکا را باد بزنند. دو خردادیها که خاصیت نجات جمهوری اسلامی از دست مردم را از دست دادند میخواهند اینبار خود را نجات بخش جمهوری اسلامی از دست آمریکا معرفی کنند. های و هوی در مورد خطر آمریکا قرار است این مرده را احیا کند. ژورنالیستهای "محترم" نظیر بی-بی-سی را هم از هر سر بگیرد فرقی نمیکند.

ادامه کمپین بین المللی حزب در دفاع از کارگران بهشهر

گزارش از کاظم نیکخواه

تظاهرات و راهپیمایی در سطح شهر زاهد و با حمایت وسیع مردم شهر مواجه شدند. بنا به گزارش روزنامه های رسمی جمهوری اسلامی ۲۰ هزار نفر در این تظاهرات شرکت داشتند. مقامات حکومت در بهشهر ابتدا کارگران را محاصره کردند و تعدادی را دستگیر نمودند اما با ادامه اعتراضات ناچار به عقب نشینی شدند و از طلب چند میلیارد تومانی کارگران حاضر شدند ۴۰۰ میلیون تومان را فوراً بپردازند و بقیه را به بعد از فروش زمینهای کارخانه موکول کردند. کارگران که ۲۰۰۰ تن میباشند این مبلغ را ناچیز میدانند و برای گرفتن تمام طلب خود از روز ۲۵ اردیبهشت وارد اعتصاب و تحصن شدهاند. تشکیلات خارج کشور حزب

صفحه ۳

بنا به آخرین گزارشی که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است اعتصاب کارگران چیت بهشهر ادامه دارد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از ترس گسترش حمایت و پشتیبانی از کارگران اعتصابی، کارخانه را به محاصره خویش در آورده اند. حتی بستگان و نزدیکان کارگران نیز امکان دسترسی به کارگران متحصن را ندارند. چهار تن از کارگرانی را که اکنون در اعتصاب غذا بسر میبرند خطر مرگ تهدید میکند. مردم به شیوه های مختلف از کارگران حمایت میکنند. یاد آوری کنیم که کارگران چیت سازی بهشهر از روز ۲۵ اردیبهشت ماه تاکنون در اعتصاب و تحصن بسر میبرند. کارگران به عدم پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۲۷ ماه اعتراض دارند. روز ۲۷ فروردین ماه کارگران دست به

سازمان ملل و اشغال عراق

صفحه ۲

این معضل تاریخی باید حل شود

صفحه ۳

مماشات با جمهوری اسلامی

صفحه ۴

اتحاد نا مقدس!

صفحه ۴

مشروعیت پیشکش، سوراخ موشی دست و پا کنید!

فاتح بهرامی

نامه ۱۲۷ نماینده مجلس به خامنه ای موضوع بحث بازار سیاست هفته گذشته ایران بود. نویسندگان نامه خواسته بودند قبل از اینکه "کیان نظام و تمامیت کشور" به مخاطره بیفتد سید علی جام زهر بنوشد، یعنی جلو بی مهری "ارگان های انتصابی" نسبت به دو خردادیها را بگیرد. امیدشان این بود نعل "جنبش اصلاحات" بو کرده در مرده شور خانه دو خرداد را مورد لطف قرار دهد بلکه جانی بگیرد. در نامه گفته بودند که "نگران آرمانهای انقلاب اسلامی، نگران از دست رفتن پایه های مشروعیت نظام، و نگران تمامیت ارضی و امنیت کشور" هستند. با رشادت تمام درخواست کرده بودند که به تصویب لوایح دوگانه خاتمی کمک کند، لویحی که خود خاتمی آنها را پائین تر از "کف مطالبات مردمی" میدانند. اما نشد. نه تنها خامنه ای غیر مستقیم جواب تنندی به آنان داد، بلکه بدستور شورای عالی امنیت ملی از انتشار نامه نیز در روزنامه ها جلوگیری کردند، حتی اجازه قرائت آنرا در مجلسشان ندادند. خامنه ای گفت سخنان منتقدان نتیجه غالب شدن ترس و عجز بر آنان است. گفت اگر جمهوری اسلامی مشروعیت ندارد پس کدام دولت در جهان مشروعیت دارد. از یک نظر درست گفت. جمهوری اسلامی نزد انصار حزب الله و لباس شخصی ها، نزد پاسداران و صاحبان عمامه های سیاه و سفید، نزد مهاجمین به "مانتو های کوتاه" در فروشگاهها، نزد سرمایه داران میلیاردر و آنهایی که دستمزد کارگران را بالا میکشند، نزد دزدان و دولتمردان و مجلس نشینان، نزد آمرین و عاملین قتلهای زنجیره ای و قاتلین زنان و قضاات قوه قضائیه و کیهانپها و صدا و سیماپها، و نزد موجودات محترمی امثال اینها البته مشروعیت دارد، گیرم این رژیم نزد ۹۸ درصد مردم ایران مشروعیت نداشته باشد، امام زمان غیابا پشت و پناهشان است.

اما اگر نامه ۱۲۷ نفر اوقات ولی ققیه و اطرافیان او را تلخ کرد، در عوض بیانیه خاتمی بمناسبت سالگرد دو خرداد نه تنها رهبر و امثال عسکراولادی را خوشحال و متشکر کرد، بلکه عناصر و سازمانهای دو خردادی از کروی و اکثر نمایندگان مجلس تا جبهه مشارکت و فراکسیون دوم خرداد در مجلس یکی پس از دیگری از آن پشتیبانی کردند. خاتمی در بیانیه اش دلیل کاهش اشتیاقی به به جریان دو خرداد را فاصله میان آرمانها و واقعیات دانست، بر

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۶۱

۹ خرداد ۱۳۸۲

۳۰ مه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سازمان ملل اشغال نظامی عراق را رسمیت داد

حسین مرادیگی



قانون جنگل بر جهان با اتکا به نیروی برتر نظامی کردن گناشت. بجای خواست اداره عراق توسط سازمان ملل و خروج نیروهای نظامی آمریکا، به باقیماندن ارتش آمریکا در عراق رضایت داد. بیخود نیست که تونی بلر نخست وزیر بریتانیا این اقدام سازمان ملل را "روز مهمی در تاریخ سازمان ملل خواند".

از طرف دیگر سازمان ملل زمانی تحریم اقتصادی علیه عراق را لغو کرد که آمریکا در قطعنامه پیشنهادی اش خواستار آن شد. این سازمان در طول ۱۲ سال تصمیم جنایتکارانه محاصره اقتصادی عراق را آنجا که آمریکا میخواست اعمال کرد، که بر اثر آن یک میلیون کودک جان خود را از دست دادند. این بروشنی بی ربطی اینها را به حق و زندگی و بهداشت و سلامتی مردم عراق نشان میدهد.

دولتهای سرمایه داری اروپا بعد از پیروزی نظامی دولت آمریکا بر عراق برای حفظ منافع اقتصادی خود فعلا به مقام دوم بعد از دولت آمریکا در جهان رضایت داده اند، هرچند هر دو طرف ادعا میکنند که اختلافات هنوز بقوت خود باقی است. اختلافات آنها هرچه باشد، ربطی به منافع مردم کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای جهان ندارد، تأیید اشغال عراق توسط دولت آمریکا فقط یک نمونه برای اثبات این مدعاست. این اختلاف کشورهای سرمایه داری، اختلافی است بر سر تعیین موقعیت آنها در جهان بعد از جنگ سرد و تلاشی است برای حفظ سلطه بربریت بورژوازی بر توده مردم آزادیخواه و برابری طلب جهان متمدن. قطعنامه سازمان ملل بار دیگر به این حقیقت تأکید کرد که وظیفه دفاع از آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه و پایان دادن به سطله ارتجاع بورژوازی اعم از ناسیونالیسم و مذهب و فاشیسم و راسیسم در هر گوشه جهان کاملاً به میدان آمدن قطب بشریت متمدن و آزادیخواه گره خورده است. وضعیت دنیای امروز و نقش کشورهای سرمایه داری و نهادهای همچون سازمان ملل یار دیگر ضرورت و اهمیت به میدان آمدن بشریت متمدن را با پرچم سوسیالیسم برجسته میکند. ■

پس از چند هفته تماسهای پنهانی میان سران دولتهای آمریکا و بریتانیا و سران دولتهای فرانسه و آلمان و روسیه، سرانجام روز ۲۲ مه شورای امنیت سازمان ملل با ۱۴ رای موافق از ۱۵ عضو این شورا قطعنامه پیشنهادی دولت آمریکا را تصویب کرد و بدین ترتیب اشغال عراق توسط دولت آمریکا را عملاً تأیید کرد. طبق این قطعنامه دولت آمریکا و بریتانیا بمدت یکسال که قابل تمدید نیز خواهد بود کشور عراق را اداره خواهند کرد، سازمان ملل "مجازاتهای" عراق را لغو خواهد کرد و صدور نفت عراق نیز از سرگرفته خواهد شد. تصویب این قطعنامه قبل از هر چیز نتیجه پیروزی نظامی دولت آمریکا بر عراق و بند و بست سران کشورهای

از صفحه ۱ مشروعیت پیشکش ۰۰۰

میبینند. تقلابهای اخیر دو خردایها محصول شرایط جنید است. پروژه اصلاح رژیم و دخیل کردن طیف وسیعتری در حاکمیت نگرقت، دارند به طرف مقابل میگویند برای مقابله با تهدید آمریکا بما احتیاج دارید. نگرانی هر دو جناح از مردم مصمم به سرنگونی رژیم، در شرایطی جدیدی که تحت فشار آمریکا هستند، افزایش یافته است، زیرا در مقابل مردم در موقعیت ضعیفتری قرار گرفته اند. نامه ۱۲۷ نماینده مجلس وحشت از نقش مردم برای نابودی رژیم را منعکس میکند. خامنه ای هم مجبور است که تشر بزند و بگوید انشالله گریه است. مشروعیت پیدا کردن رژیم پیشکششان، باید فکری به حال آخر و عاقبت خود بکنند. اما جنبش سرنگونی باید از این فرصت استفاده کند و خود را برای زیر کشیدن رژیم آماده کند. باید حرکت متحد کارگران و مردم آزادیخواه ایران گامهای بلندتر و جدیتری در جهت سرنگونی رژیم و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و خوشبخت بردارد. در قدم اول برای پیروزی باید وسیعا به حزب کمونیست کارگری پیوست.

دو خرداد بعنون مسیر نو در دفاع از جمهوری اسلامی تأکید کرد، و ضمن تأکید بر مرزبندی بین نیروهای سیاسی رسیدن به آزادی و پیشرفت مردم را در زیر سایه جمهوری اسلامی ممکن دانست! مگر میشد از این نابغه انتظار معنی دیگری برای آزادی و پیشرفت مردم داشت؟ خلاصه بیانیه او در یک کلام اعلام جانفشانی در معیت رهبر بود. بنظر میرسد میخواهند با وساطت خامنه ای لایحه اختیارات رئیس جمهور را با تعدیلاتی تصویب کنند و لایحه دیگر درباره اصلاح قانون انتخابات را کنار بگذارند و قال قضیه را بکنند.

اما درد این رژیم این لایحه ها و بازیها و جدالهای دو جناح نیست. اینها خود نتیجه شینین صدای پای مردم است. این صدا آنچنان خوفناک است که آرامشی برایشان باقی نگذاشته است. به وضعیتی افتاده اند که برای دستگیری و یورش به مانتوی پارچه ای کوتاھتر از یک متر ابلاغیه صادر میکنند و اوباش بار میکنند، و از دست سایت اینترنتی روانی شده اند و بر صفحاتش سرنگونی دات کام

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های قبلی بااطاعتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند. اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعداً بااطاعتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میایند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانید بطرق زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرید. بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتماً با اطلاع دهند.

تلفن: ۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+ جواد اصلانی

ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

۸ مه ۲۰۰۳

از صفحه ۱ مردم ایران، جمهوری اسلامی ۰۰۰

اقتصادی نابود شود، قرار است جامعه به فقها برده شود، قرار است بنیاد مدنیت گسیخته شود و هر گوشه این جامعه بدست داروستانهای قومی یا مذهبی مسلح و یا صرفاً یک باند مسلح بیفتد. قرار است مردم ایران بجای جهش از قرن اسلام به دنیای مدرن، به دنیای آزادی و برابری، به چند قرن قبل از اسلام مراجعت داده شوند. و قرار است تا سالهای سال مردم ایران بجای آزادی، تباهی فیزیکی و معنوی را تجربه کنند. این هزینه ایست که ظاهراً مردم ایران بعد از مردم عراق در خطر پرداختن آن هستند. این سناریوی است که در دنیای "ضربه پیشگیرانه" در دنیای بعد از حمله به عراق و در نظم نوین جهانی ممکن است. اما این تنها یک ممکن ساده نیست. بحث بر سر احتمال تباهی کامل چند نسل از مردم ایران است. باید در مقابل این احتمال ایستاد. باید بشریت متمدن را علیه این بربریت بکار انداخت. این احتمالی است که حتی اگر در ایران هم تحقق پیدا نکند بطور قطع بر سر بخش دیگری از مردم در گوشه دیگری از دنیا نازل خواهد شد. نیروهای این سناریو سیاه، چه محلی و چه جهانی، را باید منزوی کرد. اما مشکل دولت آمریکا و مشکل نظم نوین جهانی تنها دولت جمهوری

اسلامی نیست، همانطور که درمورد عراق مشکل آمریکا دولت عراق نبود. مسئله این است که، در تمایز با عراق، در ایران مردم خود در حال تغییر رژیم جمهوری اسلامی هستند. جمهوری اسلامی رفتنی است. اگر یک پایه سیاست آمریکا موقعیت امروز جمهوری اسلامی و قدر قدرتی دولت آمریکا است، یک پایه بهمان اندازه مهم هر سیاست دولت آمریکا تعیین آینده ایران است. بعد از جمهوری اسلامی" همان قدر مسئله سیاست خارجی آمریکا است که "جمهوری اسلامی". در اینجاست که اتفاقا بعکس آنچه که اعلام میشود، سیاست "تغییر رژیم" آمریکا نه قرار است آزادی برای مردم ایران به ارمغان آورد و نه رفاه و نه خوشبختی. آنچه در عراق و افغانستان میگذرد آئینه وضعیتی است که آمریکا به مردم ایران و جامعه ایران تحمیل خواهد کرد. در دفاع از دستاوردهای مردم ایران، در مبارزه علیه حکومت اسلامی، در دفاع از پیشرفت ایدهها و آرمانهای انسانی که در خیزش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نمایندگی میشود، و در دفاع از آینده آزاد، برابر و خوشبختی که مردم ایران میتوانند در مقابل جمهوری اسلامی بدست آورند باید این سیاست آمریکا را خنثی کرد. باید صف بشریت متمدن علیه این توحش و ارتجاع را محکمتر کرد. ■

این معضل تاریخی باید حل شود

علی جوادی



میوه تلخ ارتجاع دیواره به صحنه برگشت. تجاوز و کشتار روزمره مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل و عملیات تروریستی اسلامیهستها اقامی روزمره شد.

فاجعه ۱۱ سپتامبر مساله فلسطین و اسرائیل را از زاویه دیگری در مرکز توجه سیاست بین المللی قرار داد. بی کشوری مردم فلسطین و ستم تاریخی دولت اسرائیل و متحدین غربی‌اش بر مردم فلسطین یک منشاء اصلی خصومت با غرب و آمریکا در خاورمیانه است. هیولای اسلام سیاسی از این ستم تاریخی بر مردم فلسطین برای خود سرمایه سیاسی میسازد. پس از ۱۱ سپتامبر جهان وارد فازی شد که دو کمپ تروریسم بین المللی بطور همه جانبه‌ای رو در روی هم قرار گرفتند. دولت تروریست شارون یا چسبیدن به کمپین "ضد تروریسم" آمریکا تهاجم همه جانبه‌ای را برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود سازمان داد. شهرهای فلسطینی در اشغال کامل تانکها و سربازان اسرائیلی درآمدند. یاسر عرفات محاصره و مقرش تخریب شد. صدها نفر مردم فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند. جنین، صبرا و شتیلائی دیگری شد. در طرف دیگر نیز تروریسم اسلامی با گسترش عملیات انتحاری و کشتار مردم بیگناه و غیر نظامی اوج جدیدی از توحش اسلامی و ضد انسانی خود را به نمایش گذاشت. بار دیگر نشان داده شد که مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد.

با پایان تهاجم نظامی آمریکا به عراق تعادل نظامی و سیاسی جدیدی در منطقه بوجود آمد. باید توازن قوا به نفع آمریکا و اسرائیل بطور روشنی تغییر میکرد. یک پیش شرط پیشبرد این طرح حاشیه‌ای کردن عرفات و تغییر توازن قوا در میان نیروهای حاکم در هیات خودگردانی فلسطین

پایان جنگ آمریکا علیه عراق یکبار دیگر ضرورت حل مساله فلسطین را در دستور بورژوازی آمریکا و غرب قرار داد. مجدداً یک سیکل دیپلماسی بر متن جنگ و تهاجم نظامی آمریکا آغاز شده است. طرح نقشه راه "پاسخ هیات حاکمه آمریکا در قبال تخاصم فلسطین و اسرائیل است. این طرح مورد توافق اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل نیز هست. بر اساس این طرح قرار است طی سه مرحله دولت فلسطینی تا پایان سال ۲۰۰۵ تشکیل شود.

بیش از نیم قرن است که چند میلیون مردم فلسطین را از خانه و محل سکونت خود با زور و قلدری اخراج و تبعید کرده‌اند. هرگونه تلاش این مردم برای تشکیل کشور مستقل با سرکوب و لشکر کشی خونین دولت نژاد پرست و مذهبی اسرائیل و حمایت بورژوازی آمریکا و غرب مواجه شده است. در دوران جنگ سرد بحران خاور میانه به یکی از بحرانهای جهانی و یکی از اختلافات دو قطب شرق و غرب تبدیل شده بود. پایان جنگ سرد از ابعاد جهانی این تخاصم کاست. قرارداد صلح اسلو تلاشی در این رابطه بود که بر بستر تغییر و تحولات جهانی ممکن شد. در چهارچوب معاهده "صلح در مقابل زمین" عرفات و اسحاق رابین در زمین چمن کاخ سفید دست در دست یکدیگر گذاشتند. سازمان الفت حق موجودیت اسرائیل را برسمیت شناخت، حاکمیت خودگردان فلسطینی تشکیل شد، اسرائیل از بخشهایی از سرزمینهای اشغالی خارج شد، مرزهای اسرائیل برای ورود و خروج کارگران فلسطینی باز شد، و کنترل شهرهای ساحل غربی و نوار غزه به حاکمیت فلسطینی واگذار شد.

اما قرارداد صلح اسلو از دو طرف مورد تهاجم همه جانبه‌ای قرار گرفت. از یک طرف نیروهای اولترا راست و سوپر مرتجع اسرائیل این قرارداد را زیر منگنه فشار خود قرار دادند. از طرف دیگر نیروهای مرتجع اسلام سیاسی، رژیم اسلامی و حماس و جهاد اسلامی و حزب الله و ... به مخالفت با طرح صلح برخاستند. بسرعت معلوم شد که صلح در خاورمیانه مستلزم کنار زدن و حاشیه‌ای کردن این جریان است. اما نیروهایی که قرار داد صلح را امضا کردند خود بیش از آن به این نیروها نزدیک بودند که بخواهند و یا حتی قادر باشند چنین تلاشی را سازمان دهند و به سرانجام برسانند. شارون میخ آخر را به تابوت توافقنامه صلح اسلو کوید. در سیاست اسرائیل قاتل مردم صبرا و شتیلا دست بالا را پیدا کرد. راست ترین جناح سیاسی اسرائیل قدرت را بدست گرفت. تانیاوی

از صفحه ۱ ادامه کمپین بین المللی ۰۰۰

کمونیست کارگری ایران کمپینی بین المللی را برای جلب پشتیبانی از کارگران چیت به شهر و مبارزات کارگران ایران برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خویش در دستور گذاشته است. این کمپین اقدامات مختلفی را در بر میگیرد که از تماس با تشکلهای کارگری و سیاسی و انساندوست تا برگزاری تظاهرات و پیکت در خیابانها و مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی

و مصاحبه و تماس با رسانه ها و نشریات بین المللی را شامل میشود. ما تلاش کرده ایم و خواهیم کرد که افکار عمومی جهان را متوجه کارگران بهشهر و کل مساله عدم پرداخت دستمزدها در ایران بنماییم. این کمپین ادامه دارد و تاکنون نامه های اعتراضی زیادی به مقامات حکومت اسلامی نوشته شده است و نامه های پشتیبانی متعددی برای کارگران چیت بهشهر از سوی نهادهای کارگری و سیاسی کشورهای نروژ، کانادا، سوئد، ترکیه، پاکستان، آلمان بدست ما رسیده است:

آلمان: آ. هولبرگ از طرف سازمان کمونیستی برای انترناسیونال چهارم قطعنامه حزب کمونیست کارگری در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها را تایید نمود.

مجمع عمومی دانشجویان دانشگاه اقتصاد هامبورگ با صدور اطلاعیه ای که مستقیماً برای محمد خاتمی ارسال شده از خواستهای کارگران چیت بهشهر پشتیبانی کرد.

استرالیا: دبیر کل اتحادیه کاران صنعت تولید استرالیا منطقه نیوساوت ویز در پیامی به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور حمایت خود را از کارگران چیت بهشهر اعلام کرد و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای تمامی کارگران شد.

سوئیس: فدراسیون بین المللی کارگران فلز که دهها میلیون عضو دارد و مرکز آن در ژنو میباشند، با تایید قطعنامه حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزات کارگران چیت بهشهر حمایت کرد و بر حق اعتصاب و تشکل و پرداخت فوری دستمزدهای تمام کارگران تاکید نمود

دانمارک: معاون رئیس اتحادیه کارگران فرشباغ کپنهاگ در نامه ای به خاتمی با حمایت از کارگران چیت بهشهر به عدم پرداخت دستمزدهای کارگران اعتراض نمود.

سوئد: نمایندگان اتحادیه گرافیک و ترانسپورت و نماینده حزب کمونیست مارکسیست لنینیست در شهر گتنبورگ سوئد از کارگران بهشهر حمایت کردند و بر حق تشکل و حق اعتصاب کارگران تاکید کردند.

اندونزی: حزب دموکراتیک مردم اندونزی با امضای قطعنامه حزب اعتراض خود را به عدم پرداخت دستمزدهای کارگران اعلام کرد.

توکیه: مسئول تشکل "پلانترم آزادیهای اجتماعی"، و مسئول سازمان اتحادیه کمونیستهای انقلابی ترکیه از مبارزات کارگران بهشهر حمایت کردند. روزنامه بنی آتیلیم خبر و گزارش مفصلی در رابطه با اعتصاب و تحصن کارگران چیت بهشهر منتشر نمود.

پاکستان: واحد احمد از طرف سازمان کارگران آسیایی جهان در پاکستان با ارسال نامه ای به محمد خاتمی به عدم پرداخت دستمزدهای کارگران اعتراض کرد و از اعتصاب کارگران چیت بهشهر حمایت کرد.

شمار دیگری از تشکلهای کارگری نیز حمایت از کارگران چیت بهشهر را در دستور گذاشته اند. ■

پست نخست وزیری تعریف شد و محمود عباس در مقام نخست وزیری قرار داده شد. پس از این تغییر و تحولات بود که طرح "نقشه راه" ارائه شد. حاکمیت خودگردان فلسطینی بدون قید و شرط طرح را پذیرفت و خود را به آن متعهد کرد. دولت اسرائیل با اکثریتی شکننده و تحت فشار آشکار آمریکا با اکراره به این طرح رای داد. اما آیا دولت اسرائیل به "تعهدات" خود عمل خواهد کرد و جامعه فلسطین شاهد کشمکش جدی برای حاشیه‌ای کردن جریانات اسلامی و تحرک تروریسم اسلامی خواهد بود؟ واقعیت این است که راست اسرائیل و همچنین اسلام سیاسی موانع اصلی دستیابی به صلح در منطقه هستند.

مساله فلسطین، این معضل تاریخی، باید حل شود. طرح کنونی صلح علیرغم خصلت امپریالیستی و مافوق مردمی آن از آنجا که هدفش ایجاد کشور مستقل فلسطینی است باید به سرانجام برسد. صلح و پایان دادن به کشمکشهای خونین در فلسطین و اسرائیل خواست غیر قابل انکار مردم این منطقه است.

مردم مترقی و صلح دوست جهان باید آمریکا را تحت فشار قرار دهند تا از حمایت ارتجاعی دولت اسرائیل دست بردارد. اما صلح عادلانه و پایدار تنها بدست نیروهای سوسیالیست و صلح دوست ممکن است. صلح واقعی مستلزم حاشیه‌ای کردن قوم پرستی و ناسیونالیسم راست یهود و ارتجاع اسلامی است. عدالت طلبی و سکولاریسم باید در هر دو سو پیروز شود. برای صلح پایدار آزادخواهان و سوسیالیستها چه در اسرائیل و چه در فلسطین باید در جلوی صحنه قرار گیرند. ■

فرد موزین از جانب کمیته همبستگی بین المللی کارکنان بیمارستان کانادا با ۶۶ هزار عضو نیز در نامه ای به

آدرس:

The Lucas Arms
254a Gray's Inn Rd
Tube: Kings Cross

ورود کودکان زیر ۱۶

سال اکیدا ممنوع است

ورودی ۵ پوند

انجمن مارکس - حکمت

شنبه ۳۱ مه ۲۰۰۳، ساعت ۱۱ صبح

تنوری مارکسیستی دولت

حمید تقوائی

www.marxsociety.com - Tel:0733 026 4611

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مهاشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر



نود و یکمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در ۱۳ خرداد (۳ ژوئن) به مدت دو هفته در ژنو برگزار میشود. هیئت جمهوری اسلامی امسال در شرایطی در این اجلاس شرکت میکند که اخیراً توافقاتی میان سازمان بین المللی کار و رژیم اسلامی امضا شده است.

سازمان جهانی کار در یکساله اخیر رابطه فعالتری با ایران برقرار کرده و فعالانه در تلاش مشروعیت دادن به حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی بوده است. کارگران ایران حق دارند از این سازمان بپرسند چه رازی در کار است که در حالی که کارگران در ایران از حق اعتصاب و حق تشکل و از آزادی بیان محرومند، و حتی برای گرفتن دستمزد بیش از دوسال پرداخت نشده خود با یورش پاسداران این حکومت مواجه میشوند، سازمان جهانی کار این حکومت را از لیست حکومتهایی که حقوق کارگری را نقض میکنند کنار گذاشته است؟ چگونه است که درست یک هفته بعد از حمله نیروهای مسلح حکومت اسلامی به کارگران چیت بهشهر و زخمی کردن و دستگیر کردن آنها، سازمان جهانی کار اعلام میکند که دفتر و دستک خود را در تهران دایر خواهد کرد؟ آیا کار بستان این سازمان نمیتواند نمایندند که کارگران بهشهر ۲۸ ماه حقوق پرداخت نشده خود را میخواستند و فقط به این دلیل لشکر حکومت اسلامی، حکومتی که بقول آی ال او حقوق کارگران را نقض نمیکند، با گاز اشک آور و سلاح سرد به آنها یورش برده است؟ آی ال او این واقعیت و بی حقوقی کارگر ایرانی را بارها از زبان فعالین حزب کمونیست کارگری شنیده است.

این سازمان قبلاً شوراهای اسلامی و خانه کارگر اسلامی را بنام نمایندگان کارگران برسمیت شناخته است و اکنون بر کارگران منت گزارد و به شوراهای منفور اسلامی نقش مشورتی داده و انجمنهای صنفی دست ساز حکومت را بعنوان تشکلهای مستقل کارگری جلو انداخته است. این بسیار جالب است که در گزارش ۳۳۰ کمیته "آزادی تشکل" آی ال او اسامی ۱۴ کشور از جمله سوئد، دانمارک و کانادا بعنوان کشورهایی که موانعی بر سر راه ایجاد تشکلهای کارگری ایجاد کرده اند آورده شده است اما نام جمهوری اسلامی در این لیست قرار ندارد!

چگونه است که صدا کارگران از سوئد و دانمارک و کانادا را آی ال او میشوند اما صدا اعتراض نزدیک به نیم میلیون کارگر که بعضاً بیش از دو

سال است دستمزدی دریافت نکرده اند، صدای اعتراض کارگران بهشهر را که یک شهر را به التهاب و جنب و جوش انداخته است و صدای اعتراض میلیونها کارگر بیکاری را که از هر گونه تامین اجتماعی و بیمه بیکاری محرومند را نمیشنود؟ موضوع به روشنی اینست که ظاهراً آی ال او با این بازی میخواهد نشان دهد که سیاست برقراری "دیالوگ سازنده" با جمهوری اسلامی سیاست موقتی بوده است، همان سیاستی که مدتهاست دولت های اروپایی کوشیده اند در قبال ایران به پیش ببرند. اما برای کارگران و هر انسان آزادیخواهی آشکار است که سیاست پشت این توافقات شدت ضد کارگری است.

جریگان رئیس شاخه آزادی سازمان جهانی کار در ارتباط با توافق نامه ای که با ایران به امضاء رسیده است میگوید: "ما سعی کردیم راه حلی پیدا کنیم که با استانداردهای سازمان بین المللی کار و ویژگی های ایران مطابقت داشته باشند." او اذعان میکند که ایران هنوز قانون آزادی فعالیت سنیکا را تصویب نکرده و حق اعتصاب نیز در ایران به رسمیت شناخته نمیشود. اما علیرغم همه اینها نام ایران را از لیست کشورهای ناقض حقوق کارگران خارج کرده اند. جالب اینجاست که در سال گذشته سازمان جهانی کار قوانین جمهوری اسلامی را بخاطر عدم وجود حق تشکل، تبعیض نسبت به زنان و کار اجباری کودکان مورد انتقاد قرار داد. سؤال اینست که نتیجه این انتقادات به کجا کشید؟ آیا تبعیض علیه زنان از بین رفته است؟ آیا کار اجباری کودکان پایان یافته است؟ آیا کارگران حق تشکل و حق اعتصاب خود را بدست آورده اند؟ چه اتفاقی افتاده است که سازمان جهانی کار را نسبت به رعایت حقوق کارگران بی توجه ساخته است؟

اینها همه حقایقی است که بخوبی پرده از روی جایگاه واقعی آی ال او برمیآورد و سیاست حاکم بر این سازمان را آشکار میکند. مماشات آی ال او با جمهوری اسلامی باید مورد اعتراض

اتحاد نامقدس!

نامه سرگشاده سلیمان قاسمیان
مسئول "اول کودکان" در سوئد به:

آقای توماس اوستروس، وزیر مدارس در سوئد
و خانم مونا سالیمن، وزیر اینترگراسیون



دگم ها و تنگنظری ها و دشمنی هایش با آزادی بشر، همچون دیگر موضوعات مخرب در جامعه، از نوع فیلمهای خشونت آمیز برای کودکان، ممنوع کرد.

مدارس اسلامی مرکز اشاعه و ترویج عقبماندترین ارزشهای جامعه مردسالار و فرهنگ فاندامنالیستی است. این مدارس مرکز کودک آزارست چون کودک در چنین سیستم غیر انسانی و ناعادلانای قدرت هیچگونه دفاعی ندارد و به زور وادار به اطاعت میگردد.

آنچه باید در مورد کودکان رعایت شود ایجاد محیطی غیر مذهبی است که آنها بتوانند هنگامی که بزرگ شدند برای خود "با خدا" یا "بی خدایی" را انتخاب کنند. بخاطر نجات جان و سلامت کودکان، بخاطر آزادی و برابری، سلامت کودکان، بخاطر دفاع از حقوق انسان باید به وجود مدرسه مذهبی در جامعه اعتراض کرد. کودکان مایملک والدین خود نیستند. آنها مسئول کشیدن بار مذهب والدینشان نیستند. به این دلیل مهم باید مدارس مذهبی بسته شوند.

وزیر آموزش و پرورش و وزارت مربوطه همواره در این مورد سکوت کرده اند و هیچ وظیفهای به عهده نگرفتند. امروز بعد از همه این وقایع آیا مقامات مسئول وظیفهای به عهده خواهند گرفت یا همچنان این کودکان هستند که باید بار این مسئولیت را به دوش بکشند؟

۱۵ مه ۲۰۰۳

هیچگونه "دمکراسی" و آزادی نبوده اند. دین مظهر زورگویی و خشونت علیه زنان و کودکان است. همه ادیان اصل بر کامل بودن دین خود و ناقص العقلی، ارتداد و شکاکیت به دیگر ادیان پنداشته و هر آنکس را که با آنها نیست کافر و عنصر ناخلف میدانند. مدارس اسلامی با چهره غیر انسانیان از این قاعده مستثنی نیستند. آپارتاید جنسی و حجاب اجباری حریم حقوقی زن را تا سطح بردگی او تنزل میدهد. کودکان در این مدارس با موازین اسلامی ملزم به اجرای فرامینی میگردند که بی حقوقی محض را برای زنان، کودکان و هر آنکس که مخالف آنان است بنبال میآورد.

آقای توماس اوستروس
و خانم مونا سالیمن!

اگر این روش "برابری طلبی" در مورد تربیت اسلامی، که در بالا نمونه هایش را برشمردیم، در کمونها و مدارس اسلامزده در سوئد "مهد دمکراسی" تان پراونیک گردد و به کودکان بیاموزند که از جنسیت خود شرم کنند و بعنوان "جنس دومی" ها از بقیه جدا گردند، جواب شما چیست؟ آیا راضیتان میکند؟

ما بارها اعلام کرده ایم که به کودک باید چون کودک برخورد شود تا در یک شرایط آزاد پا به دوران بزرگسالان بگذارد. مذهب هیچ تعلقی به دنیای کودکان ندارد. دین را باید به خاطر دمد بودن، مظهر خرافه و اوهام،

مذهب امر کودک نیست. این را ما، «اول کودکان»، بارها به گوش شما و دیگر مسئولین دولتی رساندیم. هشدارها و اعتراضات پی در پی ما هرگز جنی گرفته نشد و همواره در مقابل فعالیت های افشاگرانه ما با توجیه "دمکراسی برای همه" مانع ایجاد گردید. سمینار اخیر ما نیز صحت گفته های ما را بار دیگر اثبات کرد. در همان هفته، اما رپرتاژ تکاندننده "اوبن ریورس" در رابطه با اقتضاحات مدارس اسلامی به تاریخ ۸ مه، جامعه سوئد را بشدت تحت تاثیر قرار داد.

در سمینار اخیر اول کودکان تحت نام "رشد کودک و نقش مخرب مدارس مذهبی" به تاریخ ۲۴ آوریل با شرکت و همکاری سازمان نجات کودک دامنه جلال سیاسی میان موافقین و مخالفین، گسترش یافت و سریعاً به مطبوعات سوئد کشید. آقای کارل لینبری، سکرتر و نماینده دولت به این سمینار دعوت شده بود. او در مقابل انتقادات ما که چرا دولت این مدارس را به حال خود رها کرده و هیچ کنترلی روی آن ندارند، که با کودکان در این مدارس رفتار خشونت آمیز و غیر انسانی میگردد، که حجاب کودکان و جداسازی پسران و دختران و ممنوع کردن آموزش جنسی در این مدارس موجب رشد آپارتاید جنسی میشود، که ختنه کودکان و ازدواج در سنین کودکی در این مدارس رایج است، و در تمام این موارد ما شاهد سکوت دولت بوده ایم، و خطاب به ما بر آشفته شدند و گفتند که "اظهارات شما اتهامی بزرگ به مدارس مذهبی است".

حال باید از این آقا پرسید بعد از دیدن فیلم تکان دهنده اخیر در مورد این مدارس آیا هنوز چیزی برای گفتن دارند؟

آنچه ما میگوییم بسیار واضح و روشن است. مدارس مذهبی تنها محل عبادت دین نیست، بلکه کودکان به اجبار در یک فضای اسلامی و بر طبق موازین اسلامی آموزش داده میشوند. تاریخاً ادیان در هیچ کجای دنیا مهد

قرار گیرد. جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و بخاطر نقض آشکار حقوق کارگران در ایران و بخاطر جنایت هایش محکوم شود. اجلاس امسال سازمان جهانی کار باید به محل اعتراض علیه نقض حقوق کار در ایران و علیه مماشات آی ال او تبدیل شود. ■

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضا دفتر سیاسی در تاریخ ۲۴ و ۲۵ مه ۲۰۰۳ (۳ و ۴ خرداد ۱۳۸۲) برگزار شد. در این جلسه همچنین کورش مدرسی لیدر حزب حضور داشت و در ابتدا جلسه گزارش کارکرد هیات دبیران در فاصله بین دو نشست را به دفتر سیاسی ارائه داد. مبنای نقد حزب به نظم نوین جهانی، اوضاع سیاسی ایران و تحرک نیروهای راست، حزب کمونیست کارگری عراق و مساله حاکمیت در عراق، از جمله مسائلی بودند که در این نشست به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دفتر سیاسی همچنین در مورد تدارک و تاریخ تشکیل کنگره چهارم حزب بحث کرد و تصمیم گرفت که کنگره در ماه دسامبر برگزار شود. این جلسه با توافق آرا حمید تقوایی را بعنوان رئیس دفتر سیاسی ابقا کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ مه ۲۰۰۳ (۷ خرداد ۱۳۸۲)